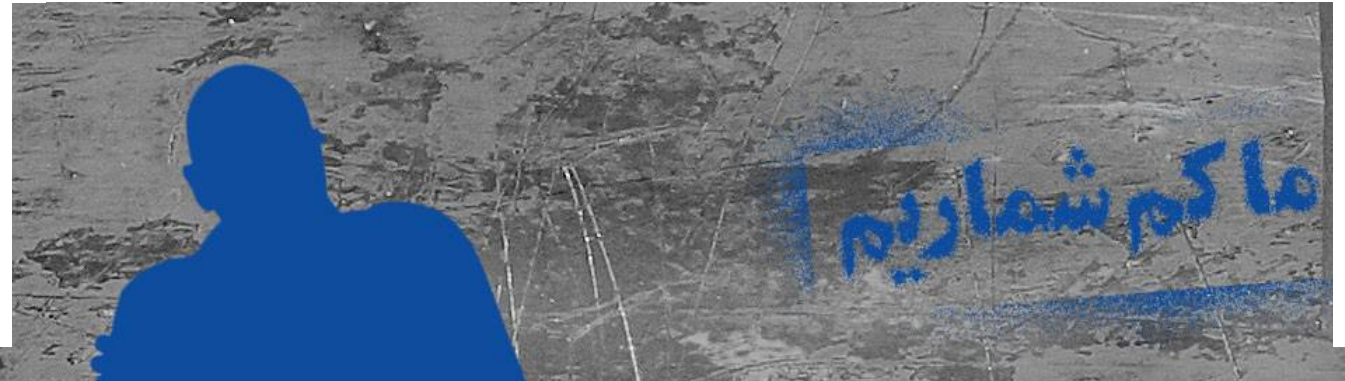


دوست‌داشتنی‌های من خواندنی‌ها خبرها نوشته‌ها و گفته‌ها دفتر یادداشت‌های بد شنیدار / دیدار نوشته‌های شما

جستجو ...



ما کم شماریم

از "حریم علف‌های قربت" تا "فلسفه تحلیلی با محوریت ویتگنشتاین"

کسانی که ماجراهای مربوط به نواندیشان دینی را دنبال کنند قاعدتاً توجهشان به این موضوع جلب می‌شود که سروش دباغ دو منبع و مرجع تازه به چهارچوب ارجاع "روشنفکری دینی" افزوده است و به عنوان عضوی از نسل متأخر روشنفکران دینی گستره موضوعات مورد توجه این گروه را نیز بسط داده است. آن دو منبع و مرجع نویافته به طور مشخص "سهراب سپهری" و "لودویگ ویتگنشتاین" هستند و آثار مختلف آنها، و آن گستره موضوعی جدید فلسفه‌های آگزیستانس و سینما و ادبیات داستانی و روانکاوی و شعر معاصر فارسی است.

دو کتاب تازه دکتر سروش دباغ "حریم علف‌های قربت: سلوک معنوی در روزگار کنونی" و "در باب فلسفه تحلیلی، با محوریت ویتگنشتاین" عمدتاً آثاری است در جهت گفتگو با آن دو منبع و مرجع مذکور و گزارش آراء و اندیشه‌هایشان و تأمل در آنها.

"حریم علف‌های قربت" که در اصل روایتی از درس‌گفتارهای مولف است دربردارنده هشت فصل است درباره اخلاق و عرفان و دغدغه‌های معنوی و جودی و در هر فصل به احوالی نظیر غم، سکوت، مرگ، عشق، بی‌زمانی، بی‌خودی، باخودی، دعا، خشم، حسد، فروتنی، آفات زبان، قضاوت، عادات ذهن و مانند اینها پرداخته شده است. هر بحث علاوه بر سایر ارجاعات شامل ذکر شعرهای فراوانی است از سهراب سپهری و مولوی که وقت خواننده را خوش و کلم او را شیرین می‌کند. خواندن "حریم علف‌های قربت" که به نوعی می‌توان آن را در امتداد کارهای پیشین نویسنده درباره سهراب سپهری - از جمله "فلسفه لاجوردی سپهری" - و نیز به ویژه سلسله مقالات "طرح‌واره‌ای از عرفان مدرن" دانست برای کسانی که دغدغه‌های معنوی-اخلاقی دارند می‌تواند تجربه‌ای خوشایند باشد. البته شخصاً - همانطور که به دوست عزیزم سروش دباغ هم گفته‌ام - تصور می‌کنم ذیل برخی علوین و مفاهیم جایی برای توجه بیشتر به روانشناسی و جامعه‌شناسی و مردپشناسی و خلاصه علوم انسانی و دستاوردهای آن‌ها بوده و می‌شده است در کنار نگرش عرفانی که به جای خود زیبایست اما در جامعه ما گاه متورم به نظر می‌رسد از دیگر داده‌ها و تحلیل‌ها هم بهره گرفت، اما این نکته‌ای فرعی است و مهم این است که "حریم علف‌های قربت: سلوک معنوی در روزگار کنونی" مجالی فراهم می‌کند برای ژرف‌تر نگرستن خواننده علاقمند به خویشتن خویش و عالمی که در آن به سر می‌برد.

"در باب فلسفه تحلیلی، با محوریت ویتگنشتاین" حال و هوایی دارد به کلی متفاوت، اما باز مرتبط با سنت "روشنفکری دینی". "روشنفکری دینی" دست‌کم در دوره‌ای عمدتاً متأثر از سنت فلسفه تحلیلی بود و در آن گفتمان فلسفی می‌زیست و از قبل آن تغذیه می‌کرد. اما لودویگ ویتگنشتاین در مقام یکی از نقاط عطف در این فلسفه و به مثابه یکی از حلقه‌های ارتباط میان سنت تحلیلی و سنت قاره‌ای کمتر محل توجه و ارجاع "روشنفکران دینی" بود. سروش دباغ همانطور که سخن گفتن از سهراب سپهری و فروغ فرخزاد را با "روشنفکری دینی" آشتی داده، کوشیده است میان فلسفه ویتگنشتاین و "روشنفکری دینی" متأخر نیز انس و همسخنی ایجاد کند.

"در باب فلسفه تحلیلی، با محوریت ویتگنشتاین" شامل سه بخش است. بخش نخست دربردارنده مقالاتی است در معرفی فلسفه تحلیلی و مرور تاریخیه این سنت فلسفی و بررسی جنبه‌های مختلفی از آن که همانگونه که از نام کتاب برمی‌آید مقولات و مفاهیمی از فلسفه ویتگنشتاین در آن به طور خاص مورد توجه قرار گرفته است. بخش دوم شامل گفتگوهایی است درباره فلسفه تحلیلی و فلسفه‌پوزیتیویسم که در آن به مباحث انضمامی‌تر چون فلسفه‌خوانی در ایران هم پرداخته شده است. بخش سوم هم دربرگیرنده یادداشت‌ها و نقدهای مولف کتاب است در حوزه چند موضوع و مبحث فلسفی از جمله پلورالیسم و علم حضوری. شایان ذکر است که در هر سه بخش کتاب مطالب قابل توجهی نیز درباره جان هیک و فلسفه دین او هست که حتماً می‌تواند برای علاقمندان به هیک و اندیشه‌های او در باب دینداری مغتنم باشد.

در ابتدای کتاب "در باب فلسفه تحلیلی، با محوریت ویتگنشتاین" دوست نازنینم، سروش دباغ، جمله‌ای بسیار مهم‌آمیز نوشته و با آن کتاب را به من هدیه کرده است. دوست دارم همین‌جا از لطف او صمیمانه تشکر کنم. برای من - که گاهی فکر می‌کنم صاف از دل فیلم‌های آقای کیمیایی درآمده‌ام! - دوستی و رفاقت نه فقط ورای منافع که فراتر از عقاید است. دوست‌داشتن و رفیق‌بودن یک نحوه زیست خاص است که توضیحش برای کسانی که آن

نمی‌دانم چرا، ولی گاهی فکر می‌کنم کسانی که شادی را دوست می‌دارند و آزادی راه کسانی که دوستی را پس می‌دارند و همدلی راه کسانی که علم را ارج می‌نهند و آگاهی راه کسانی که گفتگو را درست می‌دانند و درک دیگری راه کسانی که آزادی را طلب می‌کنند و وارستگی راه کمترین از آنها که غم و اسارت و دشمنی و کینه و جهل و جهالت و حقارت را دانسته و ندانسته تأیید و ترویج می‌کنند. شده است آرزو کنید فکر و تصویرتان یکسره باطل باشد؛ من درباره این فکر و تصورم چنین آرزویی دارم. اینجا کج - امیدوارم - ننج من است در گوشه ای از این عالم پهنای مجازی، برای آشنایی با شمایی که آرزویی مثل آرزوی من دارید. قدمتان روی چشم، نگاهتان بی‌گزند.

صفحه اصلی

درباره نویسنده / درباره سایت

فهرست آثار

راه های تماس

پیوندها

را تجربه نکرده‌اند مشکل است. کسانی خیال می‌کنند لازمه دوستی و رفاقت با "الف" و "ب"، دشمنی با "ج" و "د" است؛ چنین نیست. اتفاقاً آنکه دوستی و رفاقت را احساس کرده باشد می‌داند که لازمه دوست داشتن رفیقان خود، دشمن داشتن دیگران نیست، فهم قدر و منزلت دوستی و رفاقت است و پاس داشتن آنها، هر جا و هر زمان و میان همه آدمیان. من و سروش عزیز الان هفت-هشت سالی هست که همدیگر را "تندیهایم" (حتی با ابزارهای ارتباطی عالم مجازی) و درباره موضوعات گوناگونی هم تفاوت نظر و اختلاف سلیقه داشته‌ایم و داریم (نمونه دست به نقش اینکه سروش همان کتاب پیشگفته "حریم علف‌های قربت" را به مرحوم شریعتی اهدا کرده که مورد انتقاد من بوده است و هست) اما هنوز هم وقتی گهگاه تلفنی با هم حرف می‌زنیم انگار نه انگار که در دو طرف کره زمین هستیم؛ گپ می‌زنیم و بحث می‌کنیم و تا دلتان بخواهد فافاه می‌خندیم (گاهی فکر می‌کنم اصلاً یکی از لازمه‌های رفاقت و شکل‌گیری و تداوم آن، داشتن حس شوخ‌طبعی است، به عبارت دیگر هر جور حساب کنید از "گرانان جهان" "دوست" در نمی‌آید). حالا با اجازه شما دوست دارم در پایان این یادداشت کوتاه و اعلام خبر انتشار دو کتاب مذکور، راحت و فارغ از همه حواشی بنویسم: "سروش جان، خیلی ممنونم از لطف، امیدوارم هر جای دنیا هستی خوب و خوش و سلامت و شاد باشی".

حریم علف‌های قربت

سلوک معنوی در روزگار کنونی

سروش دباغ

اچ اند اس مدیا

لندن 1396

در باب فلسفه تحلیلی

با محوریت ویتگنشتاین

سروش دباغ

اچ اند اس مدیا

لندن 1396

موضوعات: خبرها